

خطر تکیه بیش از اندازه بر روی تست‌های آی کیو

بسیاری از جهش‌های بزرگ در نبوغ انسان به جای ضریب هوشی فردی ناشی از خلاقیت، همکاری، رقابت، شهود یا کنجکاوی بود. "آلبرت انیشتین" را در نظر بگیرید که اغلب از او به عنوان یک نابغه یاد می‌شود. او هرگز در آزمون ضریب هوشی شرکت نکرد، اما بسیاری دائماً در مورد ضریب هوشی او گمانه زنی می‌کنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، با این وجود، او اغلب کنجکاوی و شهود را به عنوان نیروی محرکه اصلی موفقیت علمی قلمداد می‌کرد و این‌ها ویژگی‌هایی نیستند که توسط آزمون آی کیو اندازه گیری شوند.

بسیاری از افراد به تست‌های هوش اعتراض دارند. برخی می‌گویند که نمرات آزمون آی کیو (IQ) اغلب مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. آنان می‌گویند این ناعادلانه است که وقتی کودکان و نوجوانان در این آزمون‌ها رد می‌شوند در عمل از موقعیت و شرایط تحصیلی بدتری در مقایسه با همسالان موفق خود در آن تست‌ها برخوردار شوند و این وضعیت آنان را به یک عمر محرومیت محکوم می‌سازد.

به نقل از کانورسیشن، برخی به دلایل کاملاً شخصی به تست‌های هوش اعتراض دارند و به خاطر می‌آورند که با پشت سر گذاشتن یک آزمون تا چه اندازه اضطراب داشتند. بسیاری تردید دارند نتیجه آن تست‌ها بازتابی منصفانه از ظرفیت بالقوه آینده‌شان باشد. در این میان باید پرسید آزمون‌های هوش واقعا تا چه اندازه مفید هستند و چه مهارت‌ها و ویژگی‌هایی را در یک فرد نادیده می‌گیرند؟

بیش از سه دهه پیش یک آرشيو نیمه فراموش شده و منحصر بفرد از بیش از ۸۹ هزار آزمون آی کیو در اسکاتلند مربوط به سال ۱۹۳۲ میلادی کشف شد. هدف بررسی نتایج آزمون‌ها ساده بود: یافتن افراد محلی برای مطابقت با آرشيو و مقایسه توانایی ذهنی فعلی آنان با نتایج آزمایش آن‌ها در سال ۱۹۳۲. ارزیابی‌ها نشان داد که نمرات پایین در آزمون‌های آی کیو با مرگ زودهنگام و آغاز زودتر زوال عقل مرتبط بود. بررسی‌های بیش‌تر نشان دادند میانگین نمرات آزمون‌های آی کیو اغلب میان مدارس مختلف تفاوت‌های اساسی داشت. آن دسته از دانش آموزانی که در مدارس مناطق پرجمعیت در آزمون شرکت می‌کردند در آزمون عملکرد ضعیف تری داشتند.

تحقیقات بعدی نشان دادند که افراد با ضریب هوشی بالاتر درگیر فعالیت‌های محرک فکری بیش تری هستند مانند خواندن رمان‌های پیچیده یا یادگیری آلات موسیقی. با این وجود، ما نمی‌توانیم بدانیم که آیا داشتن ضریب هوشی بالا باعث می‌شود افراد به دنبال چنین فعالیت‌هایی بروند یا این که افراد کنجکاو از نظر فکری به دلیل این که در طول زندگی درگیر وظایف شناختی پیچیده‌تر هستند آی کیو بالاتری پیدا می‌کنند. این یک سوال مهم است. افرادی که از پس زمینه‌های فقیرتر مانند محله‌های محروم بودند احتمالا به دلیل کمبود زمان و منابع، فرصتی برای پیگیری علایق فکری نداشتند.

معلم‌ان آن منطقه به افرادی که ارزیابی انجام می‌دادند گفتند که فراموش نکنیم تست‌های هوش در طول سالیان متمادی برای پیشبرد "نژادپرستی علمی" مورد استفاده قرار گرفته اند و نگران بودند که طرفداران جریان‌های سیاسی راستگرا بخواهند از داده‌های کشف شده آزمون‌های آی کیو برای جستجوی مبنای ژنتیکی هوش استفاده کنند.

اکثریت کودکان و نوجوانانی که در امتحانات ورودی به سبک ضریب هوشی در مدارس خصوصی یا دبیرستان شرکت نمی‌کنند ویژگی‌های بسیاری دارند که در تست هوش اندازه گیری نشده اند.

آزمون‌های آی کیو چه چیزی را اندازه گیری نمی‌کنند؟

پس تست‌های هوش چه چیزی را نادیده می‌گیرند؟ نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که نمرات آزمون‌های آی کیو در بخش عمده قرن بیستم حدود ۳ امتیاز در هر دهه افزایش یافته اند، اما ممکن است در ۳۰ سال گذشته یا مدت زمانی بیش‌تر کاهش یافته باشد. برخی از کارشناسان استدلال می‌کنند که این کاهش بازتاب دهنده تغییرات در برنامه درسی مدرسه یا شاید صرفاً پیچیدگی زندگی مدرن است. کسب "دانش محتوا" (خواندن و به خاطر سپردن) زمانی سنگ بنای امتحانات عمومی را تشکیل می‌داد و با عملکرد تست هوش مرتبط است. برای مثال، می‌دانیم که حافظه کاری با عملکرد آزمون آی کیو مرتبط است.

با این وجود، در مقایسه با آزمون آی کیو و نتایج آن این خود انضباطی است که در واقع پیش بینی کننده بهتر نتایج آزمون هاست. امروزه به کودکان در غرب حل مسئله علمی جمعی همراه با مهارت‌های بین فردی و کار گروهی آموزش داده می‌شود که نیاز به قابلیت حفظ کردن کم تری دارند (یادگیری بی کلام). این ممکن است باعث شود دانش آموزان کم‌تر در آزمون‌های آی کیو امتیاز بالایی کسب کنند حتی اگر این روش‌ها به کل بشریت کمک کنند

تا باهوش‌تر شوند.

دانش اغلب در نتیجه همکاری‌های تحقیقاتی غول پیکر هم چنان در حال رشد است. این نوع "یادگیری رویه ای" منجر به خودآگاهی بالغ، ثبات عاطفی، شناخت افکار و احساسات دیگران و درک تاثیر فرد بر عملکرد گروه می‌شود. به طور انتقادی فقدان این مهارت‌ها می‌تواند مانع تفکر منطقی شود.

ضرب هوشی بالا لزوماً از فرد در برابر سوگیری یا خطا محافظت نمی‌کند. در واقع، نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که افراد با ضرب هوشی بالا می‌توانند به طور خاص در برابر اشتباهاتی آسیب پذیر باشند. این امر ممکن است منجر به سوگیری فرد و دشوار بودن کنار گذاشتن ایده، راه حل یا پروژه شود حتی در زمانی که آن ایده یا راه حل و پروژه دیگر کارآمد نیست. این امر هم چنین می‌تواند مانع استدلال عقلانی شود. با این وجود، چنین نقاط ضعفی در آزمون‌های آی کیو نادیده گرفته می‌شوند.

بسیاری از جهش‌های بزرگ در نبوغ انسان به جای ضرب هوشی فردی ناشی از خلاقیت، همکاری، رقابت، شهود یا کنجکاوی بود. آلبرت انیشتین را در نظر بگیرید که اغلب از او به عنوان یک نابغه یاد می‌شود. او هرگز در آزمون ضرب هوشی شرکت نکرد، اما بسیاری دائماً در مورد ضرب هوشی او گمانه زنی می‌کنند. با این وجود، او اغلب کنجکاوی و شهود را به عنوان نیروی محرکه اصلی موفقیت علمی می‌دانست و این‌ها ویژگی‌هایی نیستند که توسط آزمون آی کیو اندازه گیری شوند.

اخلاق یک مدرسه مدرن به درستی ناشی از ترجیح آموزش آن دسته از کودکانی نیست که در مرحله انتخاب حداقل استانداردهای یک آزمون ذهنی را رعایت کنند. مدارس تصدیق می‌کنند که نتایج آموزشی صرفاً توسط هیچ توانایی ذاتی تعیین نمی‌شود بلکه به طور مساوی تحت تاثیر تمام تجربیات قبلی است که بر شایستگی‌های عاطفی، انگیزه، کنجکاوی فکری، بینش و استدلال شهودی تاثیر می‌گذارد.

هنگامی که در بررسی صورت گرفته با شرکت کنندگان اسکاتلندی در آزمون ضرب هوشی سال ۱۹۳۲ میلادی در اواخر عمرشان مصاحبه صورت گرفت آنان به گرمی از روزهای مدرسه خود به ویژه در مورد دوستی‌ها صحبت کردند. آنان به ندرت به تحصیلات خود اشاره کردند. هم چنین، یادگیری دانش محتوا، با تهدید به تنبیه بدنی به سادگی مورد توجه قرار نگرفت. برخی به یاد آوردند که در سال ۱۹۳۲ میلادی در تست هوش شرکت کردند و خوشحال بودند که اکثر مدارس دیگر از این طریق کودکان را مورد آزمون و قضاوت قرار نمی‌دهند.